

## افزایش قیمت در بازار کالایی کشور

علیرضا گرشاسبی، کارشناس اقتصادی

### آرمان

چند ماهی است که سطح بالای قیمت انواع کالاها و نیز نوسانات قیمت آنها در صدر اخبار قرار دارند و روزی نیست که این مشکل به صورتی خود را در اخبار و جراید نشان ندهد. یکی از مهمترین دلایل این امر، مشکلات مرتبط با نوسانات ارزی عنوان می‌شود. این در حالی است که در دو ماه اخیر قیمت ارز مبادله‌ای (قیمت ارز در اتاق ارز) که سهم غالبی از واردات کشور با آن انجام می‌شود، تقریباً با ثبات بوده و حتی روند کاهشی نیز داشته است. با این حال، ابراز امیدواری سیاست‌گذاران مبنی بر تبعیت قیمت بازار کالاها از بازار ارز با واقعیت کنونی در تناقض می‌باشند. از این رو، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که اگر نوسانات ارز بر قیمت‌ها تاثیر ندارند، چه عواملی تعیین‌کننده سطح بالای قیمت‌ها در بازار کالاها هستند.

در پاسخ به این پرسش باید سه حوزه به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد. حوزه اول بازار ارز و اثرات آن بر قیمت کالاها در بازار است. پیش از هر چیز باید اشاره داشت که افزایش قیمت ارز می‌تواند قیمت کالاها را با سرعت خیره‌کننده‌ای افزایش دهد. چراکه، در وهله نخست، هر تغییری در نرخ ارز، اثرات انتظاری و روانی خود را (به‌ویژه برای کالاهایی که مستقیماً با واردات در ارتباط هستند)، فوراً در بازار کالاها نشان خواهد داد. علاوه بر این، با افزایش نرخ ارز، انتظار بر آن است که قیمت کالاها در بازار به‌طور متوسط طی دو الی شش ماه افزایش می‌یابد که این افزایش مرتبط با افزایش هزینه واردات کالاها در کشور است. چنانچه کالایی مستقیماً برای مصرف نهایی وارد شود قیمت‌ها در یک دوره ثبت سفارش که معمولاً دو تا سه ماه به‌طول می‌انجامد، تغییراتی از خود نشان می‌دهد. در صورتی که کالاها واسطه‌ای باشد این فرایند می‌تواند تا شش ماه و حتی بیشتر نیز به طول بیانجامد و از طریق هزینه‌های تمام‌شده تولید اثرات خود را در بازار نشان دهد. از این رو، اگر قیمت ارز در مرکز مبادلات ارزی با ثبات باشد

نمی‌توان انتظار داشت که بازار کالاها نیز به‌صورت موازی با آن واکنش نشان دهند و عدم تسویه همزمان این دو بازار قطعاً وقفه‌ای را در جریان اثرگذاری نوسانات ارز بر قیمت کالاها ایجاد خواهد کرد. همچنین عدم نوسانات قیمت ارز ارتباطی با سطح بالای قیمت‌ها ندارد. به‌عبارتی، عدم نوسان قیمت ارز نمی‌تواند کاهش قیمت کالاها را به‌همراه داشته باشد بلکه می‌تواند تنها سطح بالای آن را حفظ کره و از افزایش بیشتر آن جلوگیری کند. طرح جدید که در آن قیمت ارز در مرکز مبادلات ارزی به‌عنوان مبنای قیمت‌گذاری قرار گرفته تنها در صورتی می‌تواند به پایداری قیمت‌ها در بازار کالاها بینجامد که از یکسو، در حوزه‌های عرضه و تقاضا الزامات مورد نیاز رعایت شده و از سوی دیگر، شکاف میان نرخ ارز مبادلاتی و بازار آزاد حذف شود.

حوزه دوم که در پاسخ به‌سوال مطرح‌شده در فوق اهمیت دارد، عرضه کالا در بازار است. زمان‌های متمادی، دولت طرح‌های تنظیم بازار در کشور را با محوریت افزایش عرضه برای اطمینان‌بخشی به مصرف‌کنندگان و افزایش نظارت‌ها برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی انجام داده است. اما در حال حاضر اولاً عرضه در بازار با مشکل مواجه است؛ چراکه، احتکار و عدم فروش کالا از سوی عمده‌فروشان و بنکداران، هم خرده‌فروشان و هم خریداران را چون کلافی سردرگم در هم تنیده است. در پاره‌ای از موارد فروشنده از فروش کالا به‌رغم در اختیار داشتن آن امتناع می‌کند و هیچ پاسخی منطقی در این باب ارائه نمی‌کند. از طرفی به‌دلیل سودآور بودن احتکار و نیز چندگانگی در نرخ ارز در قیاس با گذشته هم زمینه‌های سوء استفاده و هم تعداد آن افزایش یافته است. بی‌تردید دولت با امکانات محدود خود نمی‌تواند تمام این موارد را به‌لحظه بررسی و مرتفع نماید. از این رو، سیاست‌های تامین گذشته در بازار کارایی خود را از دست داده است و لزوم تغییر رویه در این زمینه به‌شدت احساس می‌شود. همچنین افزایش مکرر قیمت در تولیداتی که عرضه آن‌ها ارتباطی با قیمت ارز ندارند هم نشان می‌دهد که تنها ارز، قیمت کالاها را در چنین شرایطی تعیین نمی‌کند. در حوزه سوم می‌توان به خریداران کالاها اشاره داشت که تحت تاثیر شرایط روانی در بازار مبنی بر کمبود به‌شدت نسبت به خرید کالاها و ذخیره‌سازی آن در منازل خود اقدام کرده‌اند. شاید هنوز شیرینی تنظیم بازار کالاها پس از اجرای فاز اول هدفمند کردن یارانه در کام بسیاری قرار دارد، اما این رویه حتما در

چالش اخیر به صورت ملموسی برای جامعه قابل درک نبوده که چنین واکنشی را از خود نشان داده‌اند. لذا، تحریک تقاضا از دیگر زمینه‌های افزایش قیمت کالاها در بازار بوده و هست. از طرفی، ضمانت اجرایی پایین قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان، این گروه از عوامل اقتصادی در ایران را تا حد زیادی به پذیرنده قیمت مبدل کرده است. در برخی از بازارها نیز مصرف‌کننده نمی‌تواند عکس‌العمل خاصی نشان دهد. به‌عنوان نمونه می‌توان به بازار دارو در کشور اشاره داشت که از حساسیت بالایی برای مصرف‌کنندگان برخوردار است. حساسیت کمبود کالا در این بخش به مراتب بیش از سایر کالاها است لذا، مصرف‌کنندگان واکنش بیشتری نیز در تقاضا از خود نشان می‌دهند.

بی‌تردید دولت در کنار سیاست ثبات قیمت ارز می‌باید همچون زمان هدفمند کردن یارانه اطلاعات دقیقی از ذخایر کالا در بازار، روند توزیع، پخش و عوامل آن‌ها داشته و با متخلفان بدون هیچ اغمازی برخورد قانونی نماید. در این میان شورای اصناف، تشکل‌های خصوصی و سایر نهادها دخیل نیز می‌بایست همکاری کامل را با دولت انجام دهند. اطمینان بخشی به تقاضاکنندگان مبنی بر عرضه مکفی کالاها نیز ضمن ایجاد آرامش در جامعه و دور کردن تنش از آن، زمینه را برای اجرایی شدن سیاست‌ها عملیاتی می‌کند.